پلیس دختر فراری را در خانه فساد پیدا کرد

■ آرمین بینا

مأموران پلیس دختر فراری را که در دام پسر جوانی گرفتار و در یک خانه فساد حبس شده بود، نجات دادند.

اسفندماه سال قبل زن و شوهر میانسالی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفتند و از ناپدید شدن ناگهانی دختر ۱۹ ساله‌شان به نام روشنک شکایت کردند.

زن میانسال به مأموران گفت: «دخترم دانش‌آموز است و برای کنکور درس می‌خواند، اما مدتی قبل متوجه شدم در اینستاگرام با پسر جوانی به نام شایان دوست شده است. خیلی تلاش کردم ارتباط پیامکی و تلفنی آنها را قطع کنم، اما روشنک مخفیانه از ما با شایان ارتباط داشت. من حتی چند باری تلفن همراهش را برای مدتی گرفتم به امید اینکه شایان را فراموش کند، اما نتیجه‌ای نداد. چندی قبل گفت که قرار است شایان همراه خانواده‌اش به خواستگاری بیاید، اما من و پدرش مخالفت کردیم و معتقد بودیم او باید درسش را ادامه دهد و وارد دانشگاه شود. من از رفتار دخترم متوجه می‌شدم که او ارتباط تلفنی و پیامکی‌اش را با شایان ادامه می‌دهد تا اینکه امروز صبح وقتی از خواب بیدار شدم دیدم روشنک در اتاقش نیست. ابتدا فکر کردم برای شرکت در کلاس‌های کنکور بیرون رفته، اما وقتی دیر کرد و تلفن همراهش را جواب نداد، فهمیدم او تمامی مدارک، طلاها و حتی طلاهای مرا از کمد برداشته و از خانه بیرون رفته است. چند ساعتی به دنبالش گشتیم و حتی با تمامی دوستانش هم تماس گرفتیم، اما ردی از دخترمان پیدا نکردیم. الان نگرانیم برای او اتفاق بدی رخ داده باشد. ما احتمال می‌دهیم شایان او را اغفال کرده و دخترمان را به بهانه ازدواج ربوده است.»

■ **اخاذی**

با شکایت زن و شوهر میانسال، پرونده به دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی و پیدا کردن ردی از دختر جوان در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس در بررسی‌های فنی دریافتند دختر گمشده روز حادثه با شایان تماس داشته، اما مشخص شده تلفن پسر جوان سرقتی بوده و پس از تماس و ارتباط پیامکی خاموش شده است.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و از اخاذی مردی که ادعا کرده بود دخترش را ربوده است، خبر داد.

وی گفت: «پس از اینکه دخترمان گم شد ما در چند محله تراکت‌هایی با عکس دخترمان پخش کردیم و برای کسی که خبری از دخترمان به ما بدهد مژدگانی در نظر گرفتیم و حتی در فضای مجازی و اینستاگرام هم از مردم برای پیدا کردن دخترمان درخواست کمک کرده‌ایم. روز قبل مردی با ما تماس گرفت و گفت دخترمان را همراه همدستانش گروگان گرفته است و اگر به پلیس خبر بدهیم، او را می‌کشند. او از ما خواست برای آزادی دخترمان مقدار زیادی پول تهیه کنیم و به آدرسی که می‌دهد، تحویل دهیم تا همدستانش دخترمان را آزاد کنند. ما خیلی ترسیدیم برای دخترمان اتفاقی بیفتد، به همین دلیل بدون هماهنگی با پلیس پول را تهیه کردیم و به پارکی که او آدرسش را داده بود بردیم و داخل سطل زباله‌ای گذاشتیم و از آنجا دور شدیم، اما دخترمان آزاد نشد.» پس از ادعای شاکی، مأموران دست به تحقیق زدند و متوجه شدند فردی که با شاکی و همسرش تماس گرفته، آدم‌ربا نبوده و با طرح آدم‌ربایی دروغین از آنها اخاذی کرده است.

■ **لوکیشن اسارتگاه**

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و مأموران هیچ ردی از دختر گمشده پیدا نکرده بودند، اوایل فروردین‌ماه شاکی به مأموران خبر داد دخترش با شماره‌ای ناشناس برای یکی از دوستانش لوکیشن اسارتگاهش را فرستاده است. دوست روشنک به مأموران گفت: «من خبر داشتم روشنک گم شده و می‌دانستم او با پسر جوانی قرار ازدواج داشته، اما خانواده‌اش مخالفت کرده‌اند. ساعتی قبل در خانه بودم که تلفن همراهم زنگ خورد. شماره ناشناس بود، اما وقتی جواب دادم روشنک پشت خط بود و به آرامی گفت از سوی خواستگار قلابی‌اش گروگان گرفته شده و الان هم با شماره همان خواستگار قلابی‌اش تماس گرفته است. او گفت لوکیشن محلی را که حبس شده به گوشی‌ام فرستاده و از من خواست با مادرش تماس بگیرم و از پلیس برای نجات او درخواست کمک کنیم. من بلافاصله با مادرش تماس گرفتم و برای نجات روشنک به اداره پلیس آمدیم.»

■ **نجات گروگان با دست و پاهای بسته**

با به دست آمدن این اطلاعات، کارآگاهان پلیس آگاهی به آدرسی که روشنک برای دوستش فرستاده بود، اعزام شدند و دختر گمشده را در خانه‌ای با دست و پای بسته پیدا کردند و پسر جوانی را به نام شایان در آنجا دستگیر کردند. بررسی‌ها نشان داد اسارتگاه دختر جوان خانه فسادی است که از سوی دو زن خلافکار اداره می‌شود و شایان هم همدست آنهاست.

گروگان آزاد شده در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «مدتی قبل در فضای مجازی با شایان آشنا شدم و او به من پیشنهاد ازدواج داد. شایان گفت پسری تحصیلکرده و از خانواده پولداری است و چند باری هم که با من بیرون قرار ملاقات گذاشت، لباس‌های شیک پوشیده بود و هر بار هم با خودروی مدل بالا سر قرار می‌آمد. من عاشق او شده بودم و فکر می‌کردم اگر با شایان ازدواج کنم، خوشبخت می‌شوم و هر روز در رؤیای ازدواج با او زندگی می‌کردم، اما خبر نداشتم او چه نقشه‌ای برایم طراحی کرده است. وقتی فهمید خانواده‌ام به خاطر اینکه پشت کنکوری هستم با ازدواجم مخالفت کرده‌اند با چرب‌زبانی مرا فریب داد و گفت مدارکم و طلاهای خودم و مادرم را بردارم و برای چند روزی از خانه فرار کنم تا خانواده‌ام مجبور به ازدواج ما شوند و من هم به او اعتماد و نقشه‌ای را که او طراحی کرده بود اجرا کردم. وقتی از خانه بیرون آمدم او مرا به این خانه آورد و تازه فهمیدم اینجا خانه فساد است و دو زن خلافکار آن را اداره می‌کنند و شایان هم با آنها همدست است و مرا به بهانه ازدواج فریب داده و به خانه فساد کشانده است. همان ساعت اول می‌خواستم از آنجا فرار کنم، اما شایان طلاهایم را به زور از من گرفت و دست و پایم را با طناب بست و در اتاقی حبس کرد. آنها تهدید می‌کردند اگر به خواسته آنها تن ندهم مرا برای همیشه در این خانه حبس می‌کنند. چند روزی گذشت تا اینکه ساعتی قبل متوجه شدم شایان مشروب خورده و خواب است و من هم از فرصت استفاده کردم و با تلفن او لوکیشن خانه فساد را برای دوستم فرستادم و بعد هم تلفنی درخواست کمک کردم. من بلافاصله لوکیشن را پاک کردم تا شایان متوجه نشود و شایان هم وقتی از خواب بیدار شد دست و پای مرا با طناب بست و می‌خواست از خانه بیرون برود که مأموران رسیدند و او را دستگیر کردند.»

■ **فریبش دادم**

متهم نیز در بازجویی‌ها گفت: «مدتی قبل با دو زن که این خانه را اداره می‌کردند، آشنا شدم. آنها از من خواستند با دختران جوان به بهانه ازدواج ارتباط برقرار کنم و بعد آنها را از خانه‌هایشان فراری دهم و به خانه فساد بکشانم تا از آنها سوءاستفاده کنند. من روشنک را فریب دادم و به این خانه کشاندم، اما او وقتی متوجه نقشه ما شد می‌خواست از خانه فرار کند که ما مجبور شدیم او را در اتاقی حبس کنیم.»

تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد. متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

عابران پیاده در صدر قربانیان تصادف‌های نوروزی تهران

رئیس اداره تصادفات تهران بزرگ گفت که عابران پیاده در صدر قربانیان تصادف‌های نوروزی تهران قرار داشتند و بزرگراه آزادگان هم پرتصادف‌ترین بزرگراه در ایام نوروز بود.

به گزارش «جوان»، سرهنگ جوانبخت گفت: در ایام نوروز عابرین پیاده رتبه اول تصادفات فوتی تهران بودند و بزرگراه آزادگان هم به دلیل ترددهای غیربومی در صدر معبرهای پرتصادف قرار گرفت. وی ادامه داد: بحث عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه و بالا رفتن سرعت و تصادف با عابرین پیاده بسیار تأثیرگذار است، چراکه وقتی سرعت‌ها بالا می‌رود شدت و میزان برخورد و آسیب‌دیدگی عابرین روی می‌دهد.

وی همچنین عنوان کرد: رتبه اول تصادفات فوتی بین ساعت ۲۴ الی ۴ بامداد روی داده است. این ساعات در واقع ساعات خطرناک است، چراکه رانندگان هوشیاری لازم را ندارند، یا اینکه خسته و خواب‌آلود هستند. بیش از نیمی از تصادفات هنگام تاریکی هوا روی می‌دهد و این نقش و اهمیت روشنایی را در تصادفات کاملاً نشان می‌دهد. ما تصادف موتورسیکلتی را داشتیم که در تاریکی هوا روی داده بود و موتورسوار اصلاً مانع را رؤیت نکرده بود که این موضوع نقش مهم روشنایی را نشان می‌دهد.

شهادت ۲ مأمور پلیس در زاهدان

دو نفر از مدافعان امنیت در پاسگاه کورین زاهدان در جریان درگیری با اشرار مسلح به شهادت رسیدند.

روز گذشته اشرار مسلح با مأموران پلیس پاسگاه کورین زاهدان درگیر شدند که در جریان درگیری، دو نفر از مأموران پلیس به شهادت رسیدند و یک نفر هم زخمی شد. تحقیقات پلیس در این باره جریان دارد.

چرایی فراوانی قربانیان سوانح رانندگی نوروز از منظر روانشناسی در گفت و گو با دکتر محمد پیروی خامنه، روانشناس

عوامل افزایش سوانح رانندگی از هم تأثیر می‌گیرند

■ حسین فصیحی

اعداد و ارقام قربانیان سوانح رانندگی هویت‌شان را از دست داده‌اند. اینکه در جریان سفرهای نوروز و براساس آمار اولیه بیش از ۸۰۰ نفر کشته و بیش از ۲۱ هزار مجروح و معلول می‌شوند و آب از آب تکان نمی‌خورد، حکایت از استحاله شدن چرخه‌ای است که بی‌تفاوتی نسبت به آن منجر به افزایش قربانیان سوانح رانندگی شده است که این موضوع را از منظر روانشناسی در گفت‌وگو با دکتر محمد پیروی خامنه، روانشناس بازکاوی کرده‌ایم.

سفرهای نوروزی امسال همان طور که پیش‌بینی می‌شد برای بسیاری از مسافران، به سفری بی‌بازگشت تبدیل شد به طوری که براساس آمار اولیه در جریان سوانح رانندگی روی داده ۸۱۳ نفر کشته و ۲۱ هزار و ۴۴۱ هم مجروح و معلول شدند. این حجم از تلفات انسانی که آمار نهایی آن فراوانی بیشتری را هم شامل خواهد شد در مقیاس با جنگی که در همین بازه زمانی روی دهد بسیار بیشتر است، با این حال پیش از شروع سفرهای نوروزی تلاش رسانه‌ای بسیاری برای پیشگیری از این کشتار بزرگ جریان داشت. اینکه بسیاری از شهروندان این گونه آگاهانه به استقبال خطر می‌روند را از منظر روانشناسی چگونه می‌توان تفسیر کرد؟

باید در نظر بگیریم اگر اطلاع‌رسانی نبود، این آمار بسیار بالاتر می‌رفت. در صورتی که عوامل بروز سوانح را جمع‌بندی کنیم، متوجه خواهیم شد در نهایت مقصر اصلی انسان است، چراکه همه عوامل به دست انسان است. توضیح بیشتر اینکه بخشی از انسان‌ها باید تلاش کنند خودروی مناسب طراحی و تولید کنند و در اختیار مصرف‌کننده که انسان‌های دیگر هستند، قرار دهند که این افراد دچار حادثه نشوند. بخشی از انسان‌ها هم باید تلاش کنند ابزار و محیط را که همان جاده، پلیس و موارد دیگر است، درست طراحی و اجرا کنند. با اطلاع‌رسانی‌های صورت گرفته که به آن اشاره کردید بسیاری از راننده‌ها به این موضوعات توجه می‌کنند. مثلاً راننده می‌داند با خودروی پراید که ایمنی ندارد نباید با سرعت زیاد حرکت کند و به این موضوع توجه می‌کند. خب تعداد این دسته از افراد محدود است و همه اطلاعات کافی در این باره ندارند. هر چه عقب‌تر بر می‌گردیم، متوجه می‌شویم انسان‌ها با ورود قوانین، فناوری‌ها و برقرار شدن سازوکارهای اجتماعی تکامل پیدا کرده‌اند؛ از همین‌رو با وقوع یک تصادف متوجه می‌شویم عوامل دیگری مثل قوانین و افرادی که قوانین را مصوب می‌کنند خیلی نقش دارند. در زندگی اجتماعی یک عده افراد ناآگاه، بیشعور یا هر چه اسمش را بگذاریم مهارت فرد دیگر را خنثی می‌کند برای همین آمار سوانح بالاتر می‌رود. باید در نظر داشته باشیم، ابزاری که تولید می‌شود اگر به نیت کسب پول باشد و نظارتی هم نباشد، این اتفاق با شدت بیشتری رقم می‌خورد از همین رو نقش نظارت درست بسیار اهمیت دارد. نظارت بر ساخت و ساز جاده‌ها یا نظارت پلیس برای رانندگی، نظارت بر شرکت‌های خودروساز که بیشترین تلفات مربوط به تولیدات این شرکت‌هاست. بنابراین به گفته شما اطلاع‌رسانی درست صورت می‌گیرد، اما مهم این است که این کار باید با عملکرد دیگران هم هماهنگی داشته باشد.

خودروساز پراید را تولید می‌کند، اما این خودرو ناایمن است، بنابراین ناامن بودن این خودرو کار درست دیگر عوامل را خنثی می‌کند برای همین آمار قربانیان بالاتر می‌رود. تعمیرکار پنچری را می‌گیرد، اما کارش را درست انجام نمی‌دهد و همه چیز را سمبل می‌کند، پیچ‌چرخ‌ها را درست نمی‌بندد. این فرد یا ناآگاه است یا تخلف می‌کند برای همین با در نظر گرفتن همین موضوعات شاهدیم آمار سوانح مدام بالا می‌رود. از سوی دیگر بسیاری از راننده‌ها آگاه نیستند، بنابراین مجموع این آگاهی‌هاست که می‌تواند از وقوع حوادث جلوگیری کند. در حال حاضر هم اطلاع‌رسانی رسانه‌ها و تلاش پلیس بخشی از این آمار را حذف می‌کند. مجموع آنچه اشاره شد، عوامل انسانی هستند. انسان‌ها، ابزار و محیط را در اختیار دارند و می‌توانند کنترل کنند. اینها در جامعه ما در حداقل است. وقتی روی بازرس نظارت باشد که حقوقش به اندازه کافی است در نتیجه او را محتاج نمی‌کنند. وقتی زیاده‌خواهی کرد، نظارت یقه‌اش را می‌گیرد و دیگر این کار را نمی‌کند، در نتیجه آمار کاهش پیدا می‌کند. ما شاهدیم عده‌ای کارشان را درست انجام می‌دهند، اما تحت تأثیر عده‌ای که کارشان را انجام نمی‌دهند، قرار می‌گیرند، در نتیجه می‌بینیم وضع موجود ایجاد می‌شود. متأسفانه کسانی که در بروز حوادث نقش دارند به هر دلیلی کارشان را درست انجام نمی‌دهند. انسان اگر کنترل نشود طمعکار، زیانکار، زیاده‌خواه است که در جامعه ما زیاد هستند.

موارد مورد اشاره رهاشدگی است که در این چرخه پایدار مانده‌است، این موضوع تا چه میزان با تأثیر از عوامل فردی می‌تواند خنثی شود تا فرد بتواند از خود و دیگران مراقبت کند؟

بله بسیاری از موارد شاهدیم افراد با اینکه آگاه هستند، اما عوامل دیگری در این موضوع دخالت دارند، مثلاً برای رفتن به سفر نوروز پای چشم و هم‌چشمی به میان می‌آید که فرد حتماً باید برای سفر به فلان نقطه برود یا عوامل بسیاری که مطرح است. متأسفانه انسان‌ها کمتر مهارت دارند. مهارت حل مسئله در انسان‌ها و جوامع ما بسیار پایین است. باز هم بر می‌گردیم و می‌بینیم که نظارت نیست. نظارت یعنی معلم، مدیر، کتاب درسی، تلویزیون، مجلس، قانون و همه اینها برای همین می‌بینیم که وقتی این موضوعات وجود نداشته‌باشد، جامعه بر اثر اتفاقات می‌چرخد. اتفاقات هم براساس ساختار طبیعت که بی‌رحم است اگر رها شود، بی‌رحمی‌اش بیشتر می‌شود و این بی‌رحمی، طبیعت را که انسان و ابزار هم جزئی از این طبیعت است، کنترل می‌کند.

شما روی آگاهی فردی تأکید دارید. این موضوع مشخصاً چه مواردی را شامل می‌شود؟

اطلاعات، تجربه، تفکر، بحث. انسان‌هایی که برونگرا هستند توانایی حل مشکل را بیشتر دارند تا درونگرا. انسان‌های درونگرا بر خورد ندارند. وقتی برخورد نباشد مغز زیاد کار نمی‌کند، فکر زیاد کار نمی‌کند، در نتیجه بیشتر راکد است، مگر اینکه چنین فردی اهل مطالعه درون خود باشد و درونش در قالب یک کتاب به بیرون تراوش کند. در تاریخ داریم افرادی را که درونگرا بودند و تراوشات‌شان در قالب کتاب به جامعه می‌آمد. اگر نیاید معمولاً تغییراتی در ذهنشان پیش نمی‌آید و منتظر اتفاق هستند. اتفاق هم کمتر مثبت است. ساختار طبیعت این‌طور است که اگر رها شود، مسلط بر انسان است که متأسفانه رها شده‌است.

با توجه به در برگیری فراوان کاربران راه، این کاربران فارغ از سازمان‌های آموزشی این آگاهی را چطور می‌توانند کسب کنند؟

این موضوع نیازمند انگیزه است؛ انگیزه درونی و بیرونی. یک فرد عهده‌دار پیشگیری از این مسائل نیست. افراد زیادی نقش دارند. عده زیادی کارشان را درست انجام نمی‌دهند که در رأس آن سه موضوع انسان، ابزار و محیط است. ابزار مهم است که مثلاً فرد یک قطعه یدکی هزار تومانی را ۵۰ هزار تومان می‌فروشد و چون نظارت نیست، هر چه دلش بخواهد می‌کند.

بنابراین می‌شود گفت در این چرخه افرادی که آگاهی کمتر دارند، بیشتر قربانی این حوادث می‌شوند؟ بیشتر استفاده‌کنندگان از این امکانات طبقه متوسط یا ضعیف جامعه را شامل می‌شود.

فقر تنها فقر پولی نیست. فقر ذهنی هم هست. وقتی اطلاعاتمان کمتر می‌شود، فقیرتر می‌شویم. ممکن است در جیب‌مان پول نباشد. اگر بچه‌مان خطایی کرد، اگر ذهن‌مان قوی باشد، می‌توانیم از عهده آن به نحوی بر بیاییم که آثار مخرب نداشته‌باشد، ولی اگر می‌بینیم که فرد هم فقر ذهنی دارد و هم فقر مالی که این دو در ارتباط هم هستند. وقتی اقتصاد ضعیف باشد، فقر ذهنی هم ایجاد می‌شود. معلم تلاش می‌کند با حقوق خود بسازد ولی در نهایت تسلیم می‌شود که ببیند می‌تواند از کدام والدین چیزی دریافت کند که روی ذهنش تأثیر می‌گذارد که این همان هرم مازلو است که در آن نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای مربوط به امنیت، نیاز به عشق، نیازهای مربوط به «احترام به خود» و نیاز به خودشکوفایی در آن باید تأمین باشد که این موضوع در جامعه ما خیلی کم است.

شما روی نظارت هم تأکید دارد. ما شاهد هستیم پلیس به عنوان یکی از ابزارهای نظارتی تأکید دارد خودروهای تولید داخل امنیت لازم را برای ورود به جاده‌ها ندارند با این حال، قانون پلیس را مجبور کرده‌است، ابزاری را که خطرآفرین است، شماره‌گذاری کند، چراکه وزارت صمت، سازمان استاندارد و محیط زیست این محصول ناامن را تأیید می‌کند، بنابراین وقتی سازمان‌های نظارتی چنین تخلف می‌کنند، چه انتظاری می‌شود داشت؟

بله، نمی‌شود انتظار داشت، چراکه بسیاری از این عوامل از هم متأثر هستند، اما همیشه این‌طور نیست. عده‌ای درست کارشان را انجام می‌دهند، اما عده زیادی این طور نیستند که باید دلایلشان را جست‌وجو کرد که به خاطر طبیعت انسان است که اگر رها شود، درست کار نمی‌کنند؛ یعنی انسان بدون تربیت و اخلاقیات بار بیاید. تربیت و اخلاقیات غریزی نیست، آموختنی است. ممکن است که یک پلیس درست به وظیفه‌اش عمل کند و همه نیروهای تحت امرش را درست به کار بگیرد تا به وظیفه خود درست عمل کنند، اما یک ابزار به تنهایی کافی نیست.

سوانح رانندگی خسارت‌های کلان اقتصادی و اجتماعی به دنبال دارد با این حال گویا این موضوع برای بسیاری از افرادی که در این چرخه، مسئولیت و منافع دارند، اصلاً مهم نیست. انگار حتماً باید سفره عده‌ای خالی شود که آنها بتوانند راحت زندگی کنند. اعداد و آمار هم هویت خودشان را از دست داده‌اند و اگر در نوروز به جای هزار نفر ۱۰هزار نفر هم کشته شوند، مهم نیست. دلیل این بی‌اهمیتی نسبت به جان افراد چیست و چه باید کرد؟

نمی‌شود کاری کرد مگر اینکه شب بخوابیم و صبح که بیدار شدیم، متوجه شویم به کسانی که در مسئولیت‌ها هستند الهاماتی شده‌باشد که نسبت به وظایف خود پایبند باشند؛ مثلاً نباید نسبت به عمل کسی که به گوش سرباز پلیس قانونمند سیلی می‌خواباند، چشم‌پوشی کرد و به قانونگذار بگوید حالا که با صرف هزینه وارد مجلس شده‌است، به وظایف قانونی خود عمل کند که این موضوع ریشه‌های بسیار عمیقی دارد که بعید است با احصای آنها تغییری در وضع موجود ایجاد شود. جامعه رها شده‌ای است که از این هم می‌تواند رهاتر شود؛ مثلاً سکه به ۴۴میلیون تومان رسیده‌است که وضع رها شده‌ای است و به همان نسبت سازمان‌های دیگر هم از همین قاعده پیروی می‌کنند.

خدا به مسئولانی که به وظایف خود عمل نمی‌کنند آگاهی و انسان دوستی بدهد و بدانند غیر از خودشان افراد دیگری هم هستند و در این بین مردن مسئله است که اگر مردن نبود، عده‌ای برای بقا، دیگران را زنده نگه نمی‌داشتند.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی
برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آرا شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۱۲۰۰۱ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۲۰۰۲ و ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۲۰۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه های ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۶۳ و ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۶۵ و ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۱۱۶۴ تقاضای ۱- آقای مهران روح افزایی به شماره شناسنامه ۱۱ وکدملی ۲۲۴۹۷۱۴۹۹۱ صادره از کردکوی فرزند یحیی دریک ونیم دانگ مشاع ازششدانگ اعیانی یک باب ساختمان که ششدانگ عرصه ان وقف است ۲- آقای محمود روح افزایی به شماره شناسنامه ۷۱۱ وکد ملی ۲۲۴۸۹۲۰۱۹۹ صادره از کردکوی فرزند یحیی دریک ونیم دانگ مشاع ازششدانگ اعیانی یک باب ساختمان که ششدانگ عرصه آن وقف است ۳- محمود رویانی به شماره شناسنامه ۲۳ وکدملی ۲۱۲۲۴۰۴۴۹۳ صادره ازگرگان فرزند غلام درسه دانگ مشاع ازششدانگ اعیانی یک باب ساختمان که ششدانگ عرصه آن وقف است به مساحت کل عرصه: ۲۳۱ مترمربع واقع دراراضی شهری ازپلاک شماره ۹ و۱۰ فرعی از ۱۵۴۷ اصلی بخش یک حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت ازانتقال ازمالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹ **تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳**
شناسه آگهی: ۱۶۸۹۵۱۰ **مهدی شاه مهری**
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه سه
آگهی فقدان سند مالکیت

خانم گلناز مدنی راد ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که تعداد ۱ جلد سند مالکیت تک برگی ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی به مساحت ۱۰۴/۱۵ متر مربع قطعه ۴۷ تفکیکی پلاک ۶۱۸۶۸ فرعی از ۱۷۰ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۱۹۶ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج به شماره چاپی ۹۱۷۰۰۷ه ۱۴۰۰ بشماره الکترونیک ۱۴۰۱۲۱۲۳۱۰۱۱۰۱۳۵۲۲ بنام خانم گلناز مدنی راد صادر گردیده که بدلیل سهل انگاری مفقود گردید و مالک تقاضای صدور سند مالکیت المثنی ششدانگ پلاک مرقوم را نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد. بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.

رونوشت: به ستاد اجرائی فرمان امام (ره)

شناسه آگهی: ۱۶۹۱۷۲۱ **حسین رضا نوری شاد**
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک کرج – ناحیه یک
آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مصطفی بابائی برابر وکالتنامه شماره ۳۵۵۸۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۸ دفتر ۹۳ کرج از طرف مالک خانم فاطمه مهروانی بهبهانی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی واقع در طبقه چهارم قطعه هفتم تفکیکی بمساحت ۱۴۲/۶۷ متر مربع بشماره پلاک ۳۰۶۸۷ فرعی از ۱۵۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۸۶۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج بنام مالک ثبت و سند بشماره چاپی ۲۷۰۰۹۷ و دفتر الکترونیکی بشماره ۱۳۹۸۲۰۳۳۱۰۰۹۰۲۵۱۸۹ صادر و تسلیم شد که سند مالکیت بعلت سهل انگاری مفقود گردیده است. لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد. بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۶۹۱۷۱۴ **مسلم مرز آرا**
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج